

# مهمانِ شهر ما

درس هفتم

از چند روز پیش شنیده بودیم که قرار است مهمان عزیز و بزرگی به استان ما بیایند. همه جا سخن از آمدن ایشان و حضور گرم مردم و آماده شدن برای استقبال بود.

شادی و نشاط در چهره‌ی همه‌ی مردم شهر دیده می‌شد. بچه‌ها و جوان‌ترها بسیار خوشحال و پرهیجان به نظر می‌آمدند. خلاصه، هر چه به روز ورود آن مهمان مهربان نزدیک می‌شدیم، تپش قلب‌ها تندتر می‌شد. تمام کوچه‌ها و خیابان‌های شهر، پاکیزه و







شاخه‌ها، خیره شدم، لحظه‌ای آرام نداشتم. آن چنان گرم غوغای گنجشکان شده بودم که متوجه نشدم چقدر از زمان گذشت تا اینکه صدای کرم و دوست داشتنی مادرم مرا به خود آورد.

شور و نشاط و همهمه‌ی گنجشک‌ها را رها کردم و مشتاق و پرتوان به سوی مدرسه، پُرکشیدم. بچه‌هایی صبرانه ساعت ورود را می‌پرسیدند و مرتب به مسؤلان مدرسه می‌گفتند: «پس کی به سمت محل دیدار و سخنرانی حرکت می‌کنیم؟»

اندک اندک، همه آمدند و با پوشش هماهنگ مدرسه در صف‌های منظم به طرف محل حضور آقا به راه افتادیم و به جمعیت خروشان و خودجوش، پیوستیم. کوچه و خیابان پر از جمعیت شده بود. جای سوزن انداختن نبود. اقیانوسی از انسان‌ها پدید آمده بود. موج جمعیت آدم‌ها را به این طرف و آن طرف می‌برد.

ناگهان همه‌ی سر و صداها خاموش شد و امواج اقیانوس مردم آرام گرفت. مثل این بود که خورشید این جمعیت طلوع کرده است. همه مانند گل‌های آفتابگردان به طرف او برگشتند.

آری، «آقا» آمدند و سخنان خود را آغاز کردند. برخی از شوق می‌گریستند و جمعی مشتاقانه گوش می‌دادند. هنوز سخنان ایشان را به خاطر دارم که فرمودند: «ما دبستان که می‌رفتیم به ما گلستان درس می‌دادند. آن وقت که ما گلستان را می‌خواندیم، معنایش را نمی‌فهمیدیم. بعدها

در طول زمان، معنای آن اشعار و آن جملات را فهمیدیم؛ این خوب است. انسان ممکن است چیزهایی را درست نفهمد اما این برای فعالیت ذهن، زمینه درست می‌کند و خوب است، فکر کردن باید محور تلاش باشد».

### درست و نادرست

- ۱ دانش‌آموزان همراه خانواده‌هایشان به استقبال رفته بودند.
- ۲ جنب و جوش گنجشکان نشانه‌ی انتظار آنها برای ورود مهمان بود.
- ۳ گذشت زمان به درک معنی بعضی از مطالب کمک می‌کند.

### درک مطلب

- ۱ با توجه به متن درس، منظور از «مهمان شهر ما» چه کسی بود؟
- ۲ در متن درس، انتظار مردم چگونه بیان شده است؟
- ۳ چرا تلاش‌های ما باید با فکر کردن، همراه باشد؟

۴

## درست و نادرست



درست

۱ دانش‌آموزان از مدرسه به طرف محل حضور «آقا» به راه افتادند.

نادرست

۲ جنب و جوش گنجشکان نشانه‌ی انتظار آنها برای ورود مهمان بود.

درست

۳ گذشت زمان به درک معنی بعضی از مطالب کمک می‌کند.

## درک مطلب



۱ نویسنده انبوه جمعیت در روز استقبال از میهمان را به چه چیزی مانند کرده است؟  
همه مانند گل‌های آفتابگردان به طرف او برگشتند.

۲ در متن درس، انتظار مردم چگونه توصیف شده است؟

۳ پاکیزه و تمیز کردن شهر، خیابان و کوچه‌ها، چهره‌های هیجان‌زده‌ی مردم، پخش سرود از صدا و سیما  
«مثل این بود که خورشید این جمعیت طلوع کرده است. همه مانند گل‌های آفتابگردان

به طرف او برگشتند.» در این عبارت به چه ویژگی گل آفتابگردان اشاره شده است؟  
گل آفتابگردان به هر طرفی که نور خورشید باشد، می‌روید.

۴ چرا تلاش‌های ما باید با فکر کردن همراه باشد؟

۵ چون در این صورت باعث رشد و پیشرفت ما می‌شود و درک و فهم آدم را بالا می‌برد.

# کلمات هم معنی

استقبال: به پیشواز کسی رفتن	حضور: حاضر بودن
تپش: جنبش، حرکت	نشاط: شادی
هین: آگاه باش	رخسار: روی، چهره
لحظه شماری: انتظار کشیدن	نگار: محبوب، یار
هیجان: شورو شوق	بالاخره: سرانجام، عاقبت
جنبش: حرکت، تکان	انبوه: بسیار زیاد
خیره شدن: نگاه کردن به چیزی بدون چشم برداشتن از آن	
مسئولیت: برعهده داشتن وظیفه ای	غوغا: سر و صدا
هممه: سروصدا	مشتاق: دارای شوق، آرزومند

## كلمات هم خانواده

صبر : صبور

حس : احساس

منظم : نظم

انتظار : منتظر

طلوع : طالع

مدرسه : مدرس، درس